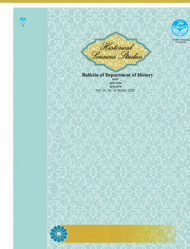




Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2023.359193.473637

Khamseh Bread Crisis (Zanjan) at the End of the Qajar Period; Interventions and Policies of Influential Elders and Groups

Hasan Rostami^{1,*}, Masood Bayat²

1. Corresponding author, PhD in Iranian History after Islam, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-Mail: rostami.h1210@gmail.com
2. Associate Professor of History and Civilization of the Islamic Nations, Zanjan University, Zanjan, Iran. E-Mail: masoud.bayat@znu.ac.ir

Article Info.

Received: 2023/05/22

Accepted: 2023/07/31

Keywords:

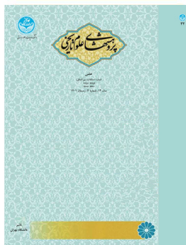
Bread, Zanjan, Qajarieh, landowners, bakers, foreign powers.

Abstract

The crisis of bread in the Qajar era was directly linked to social, economic and political goals and programs. Khamseh province with central Zanjan was one of the most important points of production and distribution of cereals; But in the constitutional years until the late Qajar, it was very difficult. At this time, despite the few years of rainfall, cereals were produced as needed in the region; But the bread didn't get to the people or was offered at a high price and barely. What is clear was that the role and position of different elders and groups in this regard was not ineffective. So the issue of research is what was the interference and policies of the elders and groups of influence in the Khamseh bread crisis? And what were the consequences and results? It Seems that with Naser al-Din Shah's decree regarding the sale of Governmental lands, the upper class got a lot of land, On the other hand, with the absence of permanent army and precise law on militarization, some urban groups, such as the bakers, entered the military, which created numerous crises in Khamseh with hoarding and expensive. In the constitutional years and after, due to the weakness of the government and the possibility of cooperation between the landowners and the army of Khamsa with the agents of the deposed Shah Muhammad Ali and the presence of weak agents, the obstacles and problems continued. This led to the famine and death of some people with the arrival of foreign forces and the revelation of World War I. The present study, using the original sources and documents, examines the subject in a descriptive-explanatory way.

How To Cite: Rostami, H., & Bayat, M. (2023). Khamseh Bread Crisis (Zanjan) at the End of the Qajar Period; Interventions and Policies of Influential Elders and Groups. *Journal of Historical Sciences Studies*, 15(1), 71-92.

Publisher: University of Tehran Press.



فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۳۳



مقاله علمی-پژوهشی

بحران نان خمسه (زنجان) در اواخر دوره قاجار دخالت‌ها و سیاست‌های گروه‌های نفوذ

حسن رستمی^{۱*}، بیات، مسعود^۲

۱. دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: rostami.h1210@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. رایانامه: masoud.bayat@znu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	بحران نان در عصر قاجار، با اهداف و برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارتباط مستقیمی داشت. ولایت خمسه با مرکزیت زنجان از نقاط مهم تولید و عرضه غلات بود؛ اما در سال‌های مشروطیت تا اواخر قاجار، با سختی‌های فراوانی مواجه شد. در این مقطع به‌رغم سال‌های کمی بارش، غلات به میزان مورد نیاز در منطقه تولید می‌شد؛ اما نان به‌دست مردم نمی‌رسید یا با قیمت بالا و به‌سختی عرضه می‌گردید. آن‌چه مشخص است، نقش و جایگاه عناصر و گروه‌های مختلف در این موضوع بی‌تأثیر نبود. بنابراین مسئله پژوهش این است که دخالت‌ها و سیاست‌های عناصر و گروه‌های نفوذ در بحران نان منطقه خمسه چگونه بود؟ و چه پیامدها و نتایجی به‌دنبال داشت؟ به‌نظر می‌رسد با فرمان ناصرالدین شاه نسبت به فروش اراضی خالصه، طبقه بالا زمین‌های فراوانی به‌دست آوردند. از سوی دیگر با نبود قشون دایمی و قانون دقیق در زمینه نظامی‌گری، برخی از گروه‌های شهری از اصنافی مانند خبازان وارد رسته‌های نظامی شدند که با احتکار و گران‌فروشی، بحران‌های متعددی را در خمسه به‌وجود آوردند. در سال‌های مشروطه و پس از آن، با توجه به ضعف دولت و احتمال همکاری خوانین زمین‌دار و قشون خمسه با عمال محمدعلی شاه مخلوع و حضور کارگزاران ضعیف، موانع و مشکلات ادامه یافت. این مسئله با ورود قوای خارجی و بروز جنگ جهانی اول به قحطی و مرگ عده‌ای از مردم انجامید. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع اصیل و اسناد، به شیوه توصیفی-تبیینی موضوع را مورد بررسی قرار داده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹	
واژه‌های کلیدی: نان، زنجان، قاجاریه، زمین‌داران، خبازان، قدرت‌های خارجی.	

استناد به این مقاله: رستمی، حسن، و بیات، مسعود (۱۴۰۲). بحران نان خمسه (زنجان) در اواخر دوره قاجار دخالت‌ها و سیاست‌های گروه‌های نفوذ. فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۵(۱)، ۷۱-۹۲.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

نان به‌عنوان قوت غالب مردم ایران دوره قاجار، جایگاه اساسی در حفظ ثبات و امنیت داشت. بالأخص برای تهیدستانی که به سایر غذاها دسترسی نداشتند، اهمیت این ماده غذایی فراوان بود. در فرهنگ ایران باستان، نان یک غذا یا نشانه تمدن نبود، بلکه به معنای واقعی، خوراکی شایسته خدایان بود. در زمان هخامنشیان نان بالاترین قربانی بود که به خدایان پیشکش می‌کردند. اهمیت فرهنگی نان در تاریخ ایران، فراتر از سایر جنبه‌ها به‌نظر می‌رسید و حول آن مفاهیم، عواطف و احساساتی شدید وجود داشت، به‌طوری که به آن وجهی مقدس بخشید. سوگند خوردن به نان و استفاده در ضرب‌المثل‌ها، برابر با حیات جلوه کرد و تقسیم آن تعهدی الزام‌آور بود. اصطلاحاتی مانند، «نان قوت مردم است»، «نان خور» و «نان او را ببرید»، نشانه این جایگاه و اهمیت را دارد. در این راستا، نظام‌الملک از زبان بهرام گور گفت: «من نان و نمک شما را خورده‌ام» (کرونین، ۱۴۰۰: ۵۰-۵۱؛ فلور، ۱۳۹۸: ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸).

در تاریخ ایران، دولت‌ها و مردم به‌دلایل جنگ، قحطی و احتکار، با مصایب کمبود نان مواجه بودند. در عصر قاجار، با ناامنی و خرابی راه‌های کشور، کمبود بارش، قحطی، دخالت دولت‌های خارجی و نفوذ کارگزاران، بحران‌هایی در زمینه نان به‌وجود آمد که بارها دولت‌های این دوره درصد رفع بحران برآمدند. در این برهه ولایت خمسه با مرکزیت شهر زنجان، مشکلات چندانی را در زمینه کمبود نان نداشت. زنجان به‌جز قحطی‌های فراگیر، در رفع نیاز مناطق همجوار مورد توجه دولت‌ها بود؛ اما در اواخر عصر قاجار با چالش‌های متعدد نان مواجه گردید. در زنجان با توجه به حکمرانان بانفوذ، علمای برجسته، خوانین بزرگ و حضور قدرت‌های خارجی، غلات مورد سوء استفاده قرار گرفت. سؤال اصلی پژوهش این است که نقش و دخالت عناصر و گروه‌های نفوذ در زمینه بحران‌های نان زنجان اواخر دوره قاجار چگونه بود؟ و چه تأثیر و نتایج به‌دنبال داشت؟

پیرامون پیشینه پژوهش، کتاب «نان و عدالت در ایران عصر قاجار» اثر استفانی کرونین و «تاریخ نان در ایران» نوشته ویلم فلور، در کنار منابع عمومی، به مسئله نان پرداخته‌اند. در سال‌های گذشته مقالاتی پیرامون بحران نان نوشته شده است که غالباً مربوط به مراکز مهم این دوره هستند. «بررسی و تبیین عوامل موثر در شیوع قحطی و بحران نان در عصر مظفری» اثر محمد عباسی و همکاران و «تأثیر گرانی و قحطی نان بر روابط خارجی ایران در عصر ناصری» نوشته داریوش رحمانیان و مهدی میرکیایی، از جمله پژوهش‌ها در این زمینه‌اند.

مقاله پیش رو با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و منابع اصیلی مانند روزنامه‌ها، اسناد سازمان‌ها و خاندان‌ها، برای نخستین بار به شیوه توصیفی-تبیینی، موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

۲. وضعیت نان زنجان در سال‌های پیش از مشروطیت

زنجان در اوایل دوره قاجار جمعیتی نزدیک به ۲۰ هزار نفر داشت که از شهرهای همجواری مانند اردبیل و رشت بیشتر بود. در هر محله چندین مغازه نانوايي امر پخت و پز را بر عهده داشتند که تعداد نانوایان محله‌های بزرگان، بیشتر از سایر نقاط به‌نظر می‌رسید. در اواسط دوره قاجار، ۴۴ نفر با پسوند نانوا، خمیرگیر، نان‌پز و خباز در شهر وجود داشتند (عیسوی، ۱۳۸۹: ۴۰؛ مولفین گمنام، ۱۳۹۷: ۳-۱). در این دوره به‌مانند سایر مناطق کشور، گندم و جو اصلی‌ترین ماده غذایی زنجانی‌ها را تشکیل می‌داد. بنا به گزارش جانسون (Johnson)، جو ۱۲ روز زودتر از گندم به‌وسیله کشاورزان برداشت می‌شد و پس از برداشت کامل این محصولات، کشاورزان به امید بارش‌های پاییزه باقی می‌ماندند. به‌نظر می‌رسد، به‌جز قحطی‌های گسترده‌ای مانند سال ۱۲۸۸ه.ق، مردم زنجان و نواحی اطراف در سختی و مضیقه نبودند و به‌رغم تنگدستی مردم، سال‌های بارش و کمی آفت محصول گندم و جو زیاد بود (Johnson, 1817: 178؛ سرشته‌دار، ۱۳۸۵: ۲۳/۱۱۲).

آرد ولایت خمسه و ناحیه عراق به‌دلیل مرغوبیت، در سفرخانه حرم شاهی پخت می‌شد (مستوفی، ۱۳۹۹: ۴۳/۱). این منطقه از جمله نقاط مورد نظر دولت برای جمع‌آوری گندم و جو در سال‌های خشکسالی بود. در گزارشی از تبریز، بخش مهمی از کمبود ارزاق در سال‌های خشکسالی دوره ناصری، با غلات ارسالی از زنجان برطرف می‌گردید (ساکما، شماره سند ۱۰۰۲۵۹۶/۲۹۶). مراکز عمده کشت غلات، روستاهای پرجمعیت اطراف زنجان بود که به نقاط همجوار ارسال می‌شد. روستای قرابوته که جمعیت و وسعت زمین‌های کشاورزی قابل توجهی داشت، یکی از مراکز مهم تأمین گندم و جو به‌شمار می‌رفت (ساکما، شماره سند ۱۰۰۴۷۳۱/۲۹۶). این یاری‌رسانی و مساعدت به سایر مناطق، در دوره مظفری نیز ادامه یافت، به‌طوری که در قحطی سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ ه.ق در تهران، آرد ارسالی از زنجان به یاری قحطی‌زدگان رسید و اندکی از فشار گرسنگی کاست (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۸۷؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۱/۲۹۹؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۵۲۴).

آنچه در سال‌های پیش از مشروطیت بر قیمت نان زنجان تأثیر گذاشت، کرایه حمل و نقل به مناطق پیرامون بود. در اواخر دوره ناصری و در بحبوحه کمبود نان تهران، به‌نظر می‌رسد، دولت در پرداخت کرایه حمل و نقل غلات با مشکلاتی مواجه شده بود. در این راستا امین‌الملک به احتشام-السلطنه حاکم زنجان پیشنهاد داد که یک خراور گندم به‌جای کرایه حمل و نقل دریافت کند. احتشام‌السلطنه در پاسخ، ضرورت پرداخت کامل پول کرایه غلات را توضیح داد. این مسئله با توجه به بودجه اندک دولت در تأمین غلات، به شکایت امین‌الملک نزد دربار انجامید و در نتیجه صدراعظم

امین‌السلطان، نامه گلابه‌آمیزی به زنجان فرستاد و پیرامون پرداخت نقدی کرایه به احتشام‌السلطنه اطمینان خاطر داد (ساکما، شماره سند ۰۲۱۳۰۲ / ۲۹۶).

نامی‌های راه‌ها، موضوع دیگر برای موانع واردات و صادرات گندم و جو زنجان بود. در زنجان مسئله امنیت پیوند مهمی با اهتمام و جدیت حاکمان و اجزای حکومتی داشت. بر اساس یک گزارش از دوره حکمرانی چراغعلی‌خان، به دلیل مواظبت مأموران حکومتی و اهتمام قراسوران‌ها، گندم و جو زیادی به شهر سرازیر می‌شد. این موضوع موجب فراوانی نان و کساد بازار خبازان گردید. در این-باره خبازان به نزد حاکم رفته، شکایت از کساد بازار کردند. چراغعلی‌خان با مشاهده این وضعیت، بدهی دیوانی خبازان را به مبلغ ۳۰ تومان تخفیف داد که مورد رضایت‌شان قرار گرفت (وقایع‌اتفاقیه، نمره ۳۱۰، یازدهم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۴). این ثبات و امنیت در دوره برخی از حاکمان که رویه نادرستی پیش گرفتند، از بین رفت. امین‌الحضرة برادر بزرگتر امین‌السلطان، از جمله این کارگزاران بود که علاوه بر دریافت پیشکشی از عاملان ناامنی در محال بزینه‌رود، در زمینه امنیت راه‌ها و حفظ ثبات برای ارسال ارزاق اقدامی انجام نمی‌داد. گزارش زیر گویای این موضوع است:

«وزارت مالیه. ۵ برج، ۴ سنه ثیل ۱۳۰۵

اداره کل ارزاق کابینه محترم هیئت وزرا عظام

راجع به شکایت آقای حاج میرزا یحیی تبریزی از مأمورین ارزاق خمسه، موضوع مطالبه باج راه از شترهای ایشان و گرفتن مبلغی به‌عنوان آزاد کردن شترها که نمره ۴۵۴۳ ثبت و برای اقدام به وزارت مالیه احاله شده، از اداره مالیه خمسه توضیح خواسته شد. پس از وصول جواب، مراتب را به استحضار عالی می‌رساند. ضمناً به اداره مالیه نوشته شد، هرگاه جنس برای حمل به طهران ندارد، برای مدت یک ماه به شتران ایشان جواز آزادی بدهد» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰؛ ساکما، شماره سند ۰۷۳۹۸۸ / ۳۱۰).

ناکارآمدی حاکمان در زمان ضعف دولت مرکزی و سال‌های خشکسالی، به زیان مردم تمام می‌شد. در دوره مظفری با حضور شاهزاده سالارالدوله به‌عنوان حاکم زنجان، فشار و سختی بر مردم بیش از پیش گردید. او حتی در آزار و اذیت به دیوانیان و متنفذین کوتاهی نمی‌کرد (حاجی‌وزیر، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۱۸۸؛ زنجان، ۱۳۹۳: ۱۸۲). به گفته ظهیرالدوله: «هرگز نمی‌توانستی گدایی مردم را به این درجه ببینی. به‌خصوص بیچاره اهل خمسه که غالباً لخت و بی‌سایر عورت و گدا بودند، به‌طوری که از توی پهن‌های اسب، جو برچیده، می‌خوردند. ...عجب این است سالارالدوله که در حقیقت باید پدر رعیت باشد، از روی ثبت ۶۵ هزار تومان تعدی و مداخل فرمودند که به سلامتی در تهران پارک تفریحی بسازند» (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱: ۱۲۵). مدتی بعد مظفرالدین‌شاه در جریان سفر فرنگ، به

زنجان وارد شد و تصمیم به رفع نابسامانی‌ها گرفت. با توجه به خشکسالی، قیمت ارزاق بالا بود. به امر شاه، وثوق‌السلطان و مدیرالدوله مسئول رسیدگی به امور رعایا شدند و مبلغ ۹ هزار تومان برای تهیدستان اختصاص یافت. شاه وعده ادامه اصلاحات را به بعد از بازگشت از سفر فرنگ محول کرد؛ اما چند ماه بعد با مشاهده طاق نصرت و ظاهر مناسب استقبال‌کنندگان که سالارالدوله مهیا کرده بود، تصمیمش را فراموش کرد. حاصل مساعدت شاه به وضعیت نان زنجان در سال خشکسالی، علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، مساعدت چند خروار گندم به یک سید دعاخوان گردید که در سر راه سلطانیه به زنجان، برایش دعای سفر خوانده بود (مظفرالدین‌شاه، ۱۳۶۳: ۱۸-۲۱ و ۲۶۱-۲۶۴؛ اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، مجموعه اسناد قحطی نان زنجان، ۱۳۹۹).

زنجان با این وضعیت در زمینه نان، به سال‌های بحرانی مشروطه قدم گذاشت و مسئله نان در میانه رقابت‌های سیاسی به آشفتگی اوضاع انجامید.

۳. سیاست‌های زمین‌داری و قشون‌گیری در ایجاد بحران نان

در ساختار سیاسی ایران، نظام زمین‌داری تحت اختیار پادشاه قرار داشت. در دوره میانه طبقه مسلط به نیابت از دولت، زمین‌های کشاورزی را بر مبنای اقطاع و تیول اداره می‌کرد که به نهاد اروپایی «بنفیس» شباهت داشت. «اقطاع» در سده‌های میانه و «تیول» در دوره‌های بعد به صورت غیرموروثی واگذار شد. «سیورغال» نیز که به سپاهیان برجسته مغول و ترکمان واگذار می‌گردید، بسیار به «فیف» اروپایی شباهت داشت، از این رو که موروثی بود و فرد دارای آن را واجد مصونیت می‌کرد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵). آنچه مشخص است، اقطاع شکل مسلط مالکیت ارضی در ایران دوره میانه بود و خصوصیات ویژه مناسبات مالکیت را تا دوره مشروطیت نشان می‌داد (ولی، ۱۳۸۰: ۳۲۴). در اوایل عصر قاجار، اراضی با عنوان تیول واگذار شد و تیول به عنوان روشی برای عطایا استفاده گردید. نمونه‌ای از آن، اعطای زمین‌های خالصه به جای حقوق و مواجب بود و تیول عشایری که موظف بودند در عوض قوای نظامی، بنبچه فراهم کنند (همان: ۲۶۶). بر اساس آمار سال ۱۲۹۷ ه.ق، مالکیت املاک سلطنتی و موقوفه به طبقه بالا منتقل شد. حاصل این نوع سیاست، پیدایش و رشد طبقه جدید و باثبات‌تر ملک‌دارانی بود که زمین‌هایشان پهناورتر گردید (فوران، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۲). در سال ۱۳۰۶ ه.ق، با توجه به شکست در قراردادهای تجاری و مشکلات روزافزون اقتصادی، تحول عمده در نظام زمین‌داری پدید آمد و ناصرالدین شاه فرمان فروش اراضی خالصه را صادر کرد. نتیجه این اقدام از سویی به افزایش قدرت زمین‌داران، تمایل تیول‌داران به خصوصی کردن املاک، سرمایه‌گذاری تجار بزرگ در املاک مزروعی منجر گردید

لمبتن، ۱۳۷۵: ۹۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۷ و ۹۰) و از سوی دیگر تحمیل بهره‌کشی، سلب حق سنتی کشت و زرع به‌وسیله زارع (نسق‌دار) و نفی بلد بر مردم را در پی داشت (هوکلاوند، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴). «احتکار» یکی از نتایج مهم سیاست‌های زمین‌داری قاجارها بود. در این زمینه، زمین‌داران با به‌دست آوردن روستاها و اراضی وسیع، با عنایت به تصاحب بیشتر عایدات، با احتکار و کم‌فروشی در سال‌های خشکسالی، سود بیشتر و اقتدار فراوان به‌دست آوردند. به گفته مستوفی: «خالصه فروشی‌های امین‌السلطان و خالصه بخشی‌های شاه، مقدار زیادی غله در اختیار افراد تازه به دوران رسیده ترک و فارس گذاشت و همان اندازه از گندم انبار کاست» (مستوفی، ۱۳۹۹: ۴۴/۲). در سال‌های پادشاهی مظفرالدین‌شاه، میزان نفوذ زمین‌داران به‌قدری گردید که جلوی واردات گندم ارزان زنجان را به تهران گرفتند، تا گندم وارد شده به قیمت بالا به‌دست مردم برسد (سپهر، ۱۳۸۶: ۵۲۳/۲). تأثیر سیاست‌های زمین‌داری در ولایت خمسه بیشتر به‌نظر می‌رسید. سالور با مشاهده وضعیت روستائیان زنجان می‌نویسد: «خالصه فروشی چه زیان‌های زیادی به دولت زد و از آن طرف چه اشخاصی را صاحب مکت و دولت کرد». جهان‌شاه امیرافشار یکی از افراد تازه به دوران رسیده و برکشیده امین‌السلطان، در مدت ۱۰ سال، ۱۰۸ روستای آباد را تصاحب کرد و اراضی اسعدالدوله نیز قابل توجه بود (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۲؛ سالور، ۱۳۷۴: ۱۴۹۴-۱۵۲۲). در این میان تعداد روستاهای خاندان مظفری نیز افزایش یافت و زمین‌های مرغوب زنجان رود و طارم را شامل شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۴/۱۹۲۲ و ۲۰۵۳ و ۲۲۴۵). برخی از درباریان صاحب روستاهای فراوانی شدند. روستاهای خالصه شریف‌آباد و خرمدره به معین‌الدوله فروخته شد و بولاماجی و چنگور سهم امین‌دفتر گردید (سالور، ۱۳۷۴: ۱۳۲۲ و ۱۵۳۲). در سال‌های پیش از مشروطه با توجه به ضعف دولت و افزایش قدرت خوانین و زمین‌داران، رشوه و پیشکشی برای سندسازی و گرفتن حکم از برخی محاکم شرعیه، راه را برای تصاحب زمین‌های بیشتر فراهم کرد و موجب منازعه‌های فراوانی گردید. در دستگاه ملاقربانعلی، ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر بیکار به اسامی نوکر، خدمتکار، قلچماق، شهود، عدول، وکیل و پیشکار وجود داشتند که هر یک سالانه ۵۰۰ تومان استفاده می‌بردند. در اسناد مربوط به اختلافات ارضی امیرافشار و اسعدالدوله، خان افشار با حکم شرعی ملاقربانعلی، بسیاری از روستاها و زمین‌های خمسه را تصاحب کرد و در مقابل اعتراض مردم به این موضوع، به آزار و اذیت اهالی پرداخت (زنجان، ۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۴۳؛ ساکما، ۲۰۱۵۳/۰۰۲۹۸). فروش اراضی خالصه، زمینه سوء استفاده از رعیت و احتکار را در همان سال‌های آغازین اجرای این طرح در زنجان فراهم کرد. در سند اقراریه مربوط به محرم ۱۳۰۹ ه.ق، رعیت آقامیرزا یوسف متعهد گردید که در قبال گندم دریافتی به خانواده-اش، تا وقت خرمن هیچ مطالبه‌ای نداشته باشد و در هرگونه خدمتگذاری و زحمت برای ارباب آماده

باشد (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، تعهد رعیت آقامیرزا یوسف، ۱۴۰۲). چند سال بعد اشرف‌الملک از ملاکین زنجان، ۱۲ هزار خروار گندم در انبار احتکار کرد که سالارالدوله کشف و ضبط نمود (روزنامه چهره‌نما، ۲۰ رمضان ۱۳۲۴ ه.ق: ۱۵). بنابراین با عنایت به سیاست فروش اراضی خالصه، در منطقه نسبتاً حاصل‌خیز خمسه که کمتر سال‌های عسرت و قحطی را گذرانده بود، زمینه نخست برای احتکار و گرانی نان فراهم گردید.

با توجه به نبود قشون دایمی در کشور و وابستگی قاجارها به نیروی ایلات، عشایر و روستائیان، خوانین از اقتدار و نفوذ بالایی برخوردار بودند. وضعیت امنیت شهرها نیز بسیار در نوسان بود. در زنجان اغلب اشرار با پیشکشی وارد قشون می‌شدند. این اشرار توپ را ندیده و سررشته‌ای از نظامی‌گری نداشتند؛ اما در رسته‌های توپچی و بالابانچی وارد می‌شدند. نحوه جذب سواران نیز تابع قاعده و نظم خاصی نبود و غالباً دزدان و اشرار را شامل می‌شد. نتیجه این وضعیت، عدم اطاعت قشون از روسا و بی‌نظمی در شهر بود (ملک‌آرا، ۱۳۶۱: ۱۲۰-۱۲۱). دسته‌ای از این نظامیان با توجه به شغل پیشین خبازی، مسئولیت خطیر نان شهر را با ریاست علی‌قلی خان مظفرالدوله از زمین‌داران بزرگ زنجان، بر عهده داشتند و با سوءاستفاده از جایگاه نظامی، به احتکار و کم‌فروشی می‌پرداختند (روزنامه ایران، شنبه ۷ محرم ۱۳۲۴ ه.ق: ۳؛ روزنامه چهره‌نما، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۴ ه.ق: ۱۲-۱۳). بر اساس یک گزارش، نایب‌آقا از اشرار معروف قشون دولتی با میدان‌داری و بارفروشی گذران می‌کرد. قدرت نانوا از دیگر اشرار، بخشی از خبازخانه‌های شهر را در اختیار داشت و برادرش در میدان سمیع، قهوه‌خانه‌ای برای الواط و گردن کلفتان مهیا کرده بود (شکوری، ۱۳۷۱: ۳۱۰-۳۱۱). آن چه مشخص است، خبازخانه‌ها دست توپچی و بالابانچی بود که علاوه بر نرخ‌گذاری چند برابر بر قیمت زغال، کاه و میوه وارده از بلوک طارم، قیمت نان را در اختیار داشتند و با مردم بسیار بدرفتاری می‌کردند (روزنامه تربیت، پنجشنبه ۲۷ رمضان ۱۳۲۴ ه.ق: ۲۲۷۲-۲۲۷۳). بنابراین سیاست جذب نیروی قشون از الواط و گردنکشان که برخی از آنان صاحب خبازخانه‌های شهر بودند، زمینه تأثیرگذار دیگر برای بحران نان زنجان در آستانه مشروطیت شد.

در ماه ذی‌قعدة ۱۳۲۳ ه.ق، خبازخانه‌ها به بهانه کمی گندم، خواستار افزایش قیمت‌ها شدند؛ اما حاکم زنجان وزیرهمایون، با بخشش ۶ هزار خروار گندم، به مقابله برخاست. او زمین‌داران را مجاب به تحویل ۱۰۰۰ خروار گندم با قیمت نازل به حکومت کرد. با وجود آن که محصول منطقه سهم ملخ‌ها شده بود، با تدابیر وزیرهمایون مشکل نان برطرف گردید (روزنامه چهره‌نما، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۳ ه.ق: ۱۱-۱۲). در اوایل سال ۱۳۲۴ ه.ق، دوباره قیمت نان بالا رفت. این بار زمین‌داران درصدد افزایش قیمت برآمدند تا خسارت‌های خشکسالی چند سال گذشته را جبران کنند (روزنامه ایران،

۷ محرم ۱۳۲۴ ه.ق: ۳؛ روزنامه چهره‌نما، غره‌ربیع‌الاول ۱۳۲۴ ه.ق: ۱۱-۱۳؛ اما وزیرهمایون که دوباره برای مهار گرانی آماده بود، جلوی افزایش قیمت‌ها را گرفت. با این وجود، گندم با افزایش نسبی مواجه شد و خرواری ۱۲ تومان به خبازخانه‌ها عرضه گردید (روزنامه چهره‌نما، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۴ ه.ق: ۱۲-۱۳). در ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ه.ق، با ورود حکمران جلال‌الدوله به شهر، با توجه به بارش‌های باران، ارزاق فراوان شد (روزنامه ایران، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ه.ق: ۴)؛ اما با تغییر سریع حکمران و ورود نیرالممالک، بحران نان زنجان دوباره آغاز شد. این بار زمین‌داران و خبازان با همکاری یکدیگر قیمت‌ها را افزایش دادند. محصولات زراعی از آفات محفوظ بودند؛ اما محتکران با هدف سود بیشتر به این گرانی دست زدند (روزنامه چهره‌نما، ۲۰ رمضان ۱۳۲۴ ه.ق: ۱۵؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۴۵۶). در این راستا یکی از محتکران نایب‌الحکومه علی‌اصغر مشیرالممالک که در طول سال‌های خدمت، زمین‌های خالصه فراوانی اندوخته بود، مانع تعدیل قیمت‌ها گردید و نارضایتی فراوانی در میان مردم برانگیخت (نظام‌السلطنه، ۱۳۸۶: ۱/۳۰۴؛ اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، مجموعه اسناد قحطی نان، ۱۴۰۰).

با احتکار ارزاق، نرخ گندم از ۴ تومان به ۱۶ تومان ترقی کرد و اهالی به مضیقه افتادند. بنابراین بازار پس از چند روز اعتراض به گرانی نان، تعطیل شد. به پیشنهاد برخی از متنفذین، جمعیت زیادی در تلگرافخانه جمع شدند تا دولت به شکایت‌ها رسیدگی کند (مطلب‌خمس‌های، ۱۳۵۰: ۳۹-۴۰). اوضاع زنجان با سیاست‌های محتکران بدتر گردید. احمد حسینی از زمین‌داران، ملاکین را تشویق به یاری مردم کرد؛ اما نتیجه‌ای نداشت. با توجه به آفت‌های سال‌های گذشته و احتکار جاری، مردم برای خرید گندم حتی لوازم ضروری زندگی را به حراج گذاشتند. با عنایت به گزارشی، توپچی و بالابانچی گندم را ۱۰ تومان از زمین‌داران خریده، ۱۸ تومان به مشتریان فروختند و در مقابل اعتراض مردم به این سیاست، بدرفتاری و خشونت کردند. این گروه‌های نظامی در سایر محصولات وارده به شهر، به اقتضای هر کدام، ۵ تا ۶ قران به جیب زدند. با ادامه احتکار و گران‌فروشی، سرانجام مردم به خانه اسعدالدوله روی آوردند و از فرط استیصال، دست یاری به سوی این زمین‌دار بزرگ دراز کردند. اسعدالدوله برای شکستن قیمت‌ها، ۵۰۰ خروار گندم از قراری ۸ تومان در اختیار خبازخانه‌ها قرار داد و تعهد ۲ هزار خروار گندم دیگر را کرد (روزنامه تربیت، ۲۷ رمضان ۱۳۲۴ ه.ق: ۲۲۷۲-۲۲۷۳). با ادامه بست‌نشینی مردم در تلگرافخانه، رئیس‌الوزرا طی نامه‌ای از علمای زنجان درخواست رسیدگی به شکایت‌ها را کرد (اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی، ۱۳۸۹: ۳۰۵-۳۰۶). تلگرافی از مجلس نیز برای آرامش اوضاع مخابره گردید که وعده رسیدگی به گرانی نان را می‌داد. با توجه به وخامت اوضاع، علما ضمن دعوت به آرامش، نرخ گندم را ۷ تومان قرار دادند و مغازه‌ها را گشودند؛ اما

تجار با بی‌اعتمادی نسبت به بهبود وضعیت، به تحصن در تلگرافخانه ادامه دادند. خبازان در ظاهر به این قیمت گردن گذاشتند؛ اما اندکی بعد نرخ‌ها دوباره به روال گذشته بازگشت و نان حکم کیمیا پیدا کرد. مشیرالممالک از محکرمین پیشنهاد داد که خبازخانه‌ها کسر قیمت و ضرر نان را از ملاکین بر حسب سهم دریافت کنند. خبازخانه‌ها در ابتدا از این پیشنهاد پیروی کردند؛ اما باز به نرخ گذشته بازگشتند. سرانجام با وجود تمامی راهکارها، نرخ آزاد تعیین شد تا از طرف مجریان قانون اقدامی صورت گیرد (روزنامه تربیت، ۵شوال ۱۳۲۴ه.ق: ۲۲۸۲-۲۲۸۳). با توجه به افزایش شکایت مردم نسبت به دخالت نظامیان، علی‌قلی مظفردوله به تهران فراخوانده شد (اسناد میرزا ابوالکارم موسوی، ۱۳۸۹: ۳۰۶)، از سوی دیگر برخی از بزرگان با حضور نماینده دولت، جمعی را تعیین کردند تا با هفته‌ای ۳ روز حضور در کمیسیون نان، قیمت منصفانه‌ای قرار دهند. از بین اعضای شورا، عاصم‌السلطنه به‌عنوان رئیس خبازخانه تعیین گردید تا بحران نان خاتمه یابد (اسناد خاندان ذوالفقاری، جلسه شورای نان در زمان بحران، ۱۳۹۹).

با ورود حکمران جدید سعدالسلطنه، بهبودی در زمینه بحران نان حاصل نشد و با توجه به رقابت‌های سیاسی عصر مشروطه، کم‌فروشی و احتکار بالابانچیان و توپچیان شدت یافت. این بار بالا رفتن قیمت نان به‌وسیله نظامیان، با هدف فشار بر مجلس در راستای تحقق خواسته‌های ملاقربانعلی رهبر مخالفان مشروطه و تأیید اعتبارنامه نمایندگی ابوطالب سلطانی صورت گرفت. سعدالسلطنه که سعی در میان‌روی داشت، با گرانی‌های صورت گرفته و افزایش نارضایتی، ناگزیر از شکایت به وزارت داخله و مجلس گردید (روزنامه صبح صادق، ۱۲رجب ۱۳۲۵ه.ق: ۳-۴). در این برهه دولت ضد مشروطه اتابک با مخالفان مشروطه همکاری داشت و با وجود درخواست‌های سعدالسلطنه برای دوری مظفردوله از زنجان، خان متنفذ که دوباره بازگشته بود، با پیشکشی به متنفذین، دفع‌الوقت می‌کرد (مذاکرات مجلس اول، عریب‌الثانی ۱۳۲۵ه.ق: جلسه ۸۶). آنچه بر دامنه بحران‌ها افزود، درگیری سعدالسلطنه حاکم زنجان و ملاقربانعلی بود. اطرافیان ملاقربانعلی با ضعف مشروطیت در زنجان و موضع بی‌طرفی سعدالسلطنه، تصمیم به ایجاد ناامنی گرفتند. در ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ه.ق، دستور حکومت برای منع صادرات گندم از سوی زمین‌داران، به‌وسیله برخی از حامیان ملاقربانعلی نادیده گرفته شد. با تنبیه شیخ عبدالله به دلیل شکستن این فرمان و منازعه مأموران با طرفداران ملا، دستور حمله به دارالحکومه صادر شد و سعدالسلطنه پس از ضرب و شتم و اخراج از شهر، با انتقال به تهران از دنیا رفت (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴؛ روزنامه حبل‌المتین تهران، ۷رجب ۱۳۲۵ه.ق: ۳-۴؛ روزنامه صبح صادق، ۱۲رجب ۱۳۲۵ه.ق: ۳-۴).

سیاست‌های دولت در فروش اراضی خالصه به زمین‌داران و نحوه نادرست قشون‌گیری از اصنافی مانند خبازان، موجب چالش‌های نان در زنجان شد. خشکسالی و آفت کوتاه مدت، موانع جدی در برابر تولید نان زنجان نبودند؛ اما متولیان شامل زمین‌داران و خبازان، در مقاطعی به صورت جدا و پاره‌ای اوقات به طور هماهنگ، با هدف افزایش سود فروش و در راستای اقتدار و نفوذ، به احتکار و کم‌فروشی دست زدند. فروش زمین‌های خالصه موجب افزایش تولید در مناطقی مانند ولایت خمسه نشد. به نظر می‌رسد چند عامل در عدم افزایش تولید موثر بودند. نخست، با فروش اراضی خالصه، تغییر مهمی جز واگذاری زمین‌ها از دولت به عناصر متنفذ به دست نیامد و آنان نیز با توجه به روش‌های سنتی تولید و خشکسالی‌های متوالی، قادر به افزایش تولید نبودند. دوم این‌که گروه‌های وابسته به زمین، با توجه به بهره بسیاری که به زمین‌داران می‌پرداختند، با افزایش تولید در عمل سود چندانی به دست نمی‌آوردند. سوم، زمین‌داران با هدف افزایش عرضه که هزینه تولید، نگهداری و حمل و نقل بر آن افزوده می‌شد، به طور طبیعی با کاهش تقاضا روبرو می‌شدند و این رویکرد تأثیر مستقیمی بر کاهش قیمت‌ها می‌گذاشت و در نتیجه سود چندانی به دست نمی‌آمد. آنچه مشخص است، با حفظ وضعیت موجود و احتکار و کم‌فروشی، سود مطمئنی حاصل می‌شد. سیاستی که به نظر می‌رسد، زمین‌داران منطقه خمسه اتخاذ کردند.

۴. تکاپوی نهادهای اجرایی در رفع چالش‌های نان

بحران نان با همراهی متنفذان، هشدار دولت و بازخواست رئیس قشون فروکش کرد، اما در سال‌های بعد از پیروزی مشروطه‌طلبان، زنجان دوباره وارد چالش جدیدی شد. در این برهه شیخ ابراهیم زنجانی برای رفع نیاز مردم، درخواست تعدیل قیمت گندم کرد و روحانیون درصدد مطالبه پول گندم ارسالی به دولت از قراری یکصد تومان برآمدند (اسناد خاندان موسوی زنجانی، مسئله نان در عصر قاجار، ۱۴۰۰). به گفته حاکم زنجان آصف‌الدوله، منطقه به تدریج با افزایش قیمت نان مواجه می‌شد و خوانین بزرگ به دلیل اختلاف با یکدیگر، در رفع نیاز اهالی همراهی نمی‌کردند. آصف‌الدوله با اقدامات شبانه‌روزی به کمک مأموران دارالحکومه، قیمت نان را تا حدودی رفع کرد، ولی سرانجام با مقاومت زمین‌داران در تعدیل قیمت‌ها، تغییر محسوسی حاصل نشد (ساکما، شماره سند ۲۶۱۲/۰۰۲۱۰). به رغم ادعاهای آصف‌الدوله، جواد زنجانی از معترضان به گرانی نان، نفوذ حکومت در کاهش قیمت‌ها را نادرست می‌دانست؛ چون مأموران برای دریافت مالیات گندم و جو از مردم سوءاستفاده می‌کردند. این رفتار با مردم، کوچ اهالی، خرابی و خالی شدن روستاها را در پی داشت. براساس آمار، دریافت مالیات از ۵۰۰ روستا موجب کاهش نیمی از جمعیت شده بود (امش، شماره سند ۲۰۵۷۰-۲۱۶۱۳). به نظر می‌رسد فرار اهالی به کاهش کاشت ارزاق و افزایش بها انجامید. در اوایل

۱۳۲۶ هـ.ق، دوباره خبر شرارت بالابانچی‌ها با تعرض به یک جوان گزارش شد. در خبری دیگر، نوروز شاگرد آهنگری به‌وسیلهٔ اکبر بالابانچی به قتل رسید. بالابانچیان متصدی خبازخانه‌ها، غالباً در فصل بهار و موسم رفتن به باغات جنوب شهر، به آزار و اذیت مردم می‌پرداختند (روزنامهٔ ایران، چهارشنبه ۲۲ صفر ۱۳۲۶ هـ.ق: ۲). چند ماه بعد در ۱۹ شوال ۱۳۲۷ هـ.ق، یک خروار گندم و یک خروار جو، دو تومان و پنجاه من گندم و پنجاه من جو، یک تومان بود. ارزاق در حوالی زنجان، چهار تومان و حومهٔ سلطانیه و ابهر دو تا سه تومان و پنج هزار در نوسان بود (ساکما، شمارهٔ سند ۲۴۰/۴۹۸۹۳). به‌رغم شرارت‌های بالابانچیان، این قیمت‌ها تقریباً مناسب بود و به‌نظر می‌رسد کوچ اجباری مردم را تا حدودی آصف‌الدوله با اقداماتش جبران کرده بود.

در ماه‌های بعد با ناتوانی آصف‌الدوله در مهار بی‌نظمی در مؤسسات دولتی و شایعهٔ بازگشت محمدعلی شاه مخلوع، قیمت گندم و جو دوباره افزایش یافت. گندم با سنگ تبریز به شش تومان و هشت هزار و جو پنج تومان و هشت هزار رسید (روزنامهٔ ایران نو، چهارشنبه ۱۶ محرم ۱۳۲۹ هـ.ق: ۳). با توجه به کسری درآمد دولت و افزایش دوبارهٔ قیمت نان، بخشی از حقوق معوقهٔ قشون خمسه به‌وسیلهٔ گندم اعطایی پرداخت شد. در این راستا مبلغ ۶۴۴۳ تومان پول نقد، ۹۸ خروار گندم، ۲۵۷ خروار و ۲۰ من جو و ۶۱۶ خروار کاه بابت حقوق سال گذشتهٔ قشون، به‌وسیلهٔ وزارت داخله تأیید شد. دخالت حکومت زنجان در وظایف ادارهٔ مالیه و جمع‌آوری گندم و مالیات، بر توزیع مناسب ارزاق در منطقه تأثیر گذاشته بود. به باور حکومت، ادارهٔ مالیه نباید در مالیات گندم و جو و تخصیص قیمت، بدون اجازه اقدام می‌کرد. در این میان، وزارت داخله طرفدار امور مالیه بود و دخالت‌های نابجای حکمران را ناشی از شایعهٔ بازگشت محمدعلی شاه و در نتیجه ضعف دولت می‌دانست. در نامه‌ای، وزارت داخله علت مماشات در مناقشهٔ ادارهٔ مالیه و حکمران را اهمیت موقعیت زنجان به‌واسطهٔ شورش سالارالدوله و بازگشت شاه مخلوع دانست (ساکما، شمارهٔ سند ۲۴۰/۰۰۴۲۹۷).

در سال‌های مقارن با مجلس دوم، بحران گندم در مناطق مختلف آغاز شد. این مسئله موجب بروز قحطی و مرگ عده‌ای از مردم شد. علت کمی گندم را به گردن بی‌کفایتی نهادهای اجرایی انداختند و آن‌ها نیز موضوع را ناشی از مشکلات حوزه‌های کشاورزی و سیاسی دانستند (فلور، ۱۳۹۸: ۱۷۳ و ۱۷۷). در این برهه، زمین‌داران زنجان با دارابودن زمین و سرمایه لازم، مشکلات ناشی از قحطی را چندان احساس نکردند، ولی به‌دلیل رقابت‌های اقتصادی، در ماه‌های کمبود نان از مساعدت دریغ کردند. امیرافشار با داشتن ۴۰۰ روستا، به‌واسطهٔ رقابت با اسعدالدوله، به مناطق نزدیک زنجان توجهی نکرد و محل زندگی در کرسف را پوشش داد (ساکما، شمارهٔ سند ۲۶۱۲/۰۰۲۱۰). بحران گندم کشور، زنجانی‌ها را که در تنگنا قرار داشتند، در کانون سیاست‌های دولت قرار داد و مردم را به تلاش برای رفع بحران واداشت. در این راستا، امیرافشار به درخواست

مجلس دوم و دولت مشروطه، مأمور رساندن گندم به مناطق قحطی‌زده شد (مذاکرات دوره دوم مجلس، شنبه ۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ هـ.ق: جلسه ۹۲). در ماه‌های بعد زنجان‌ها با مشارکت مردم قزوین، ۱۵ هزار خروار گندم به تهران ارسال کردند (همان، ۱۲ شعبان ۱۳۲۸ هـ.ق: جلسه ۱۳۰). آصف‌الدوله نیز با جمع‌آوری گندم، گزارش آمادگی ارسال ۳ هزار خروار را به وزارت مالیه داد (همان، شنبه ۳ رمضان ۱۳۲۸ هـ.ق: جلسه ۱۳۹). در این بین شیخ ابراهیم زنجان‌ی به‌عنوان عضو شعبه پنج‌نفری رسیدگی به شکایت از عدلیه پیرامون گندم و جو، خواستار افزایش شعبه‌های بررسی برای رفع موانع ارسال و کاستن شمار مراجعه‌کنندگان شد (همان، سه‌شنبه ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ هـ.ق: جلسه ۹۳). با وجود این تلاش‌ها، ناکارآمدی و بی‌نظمی حکمرانان و سایر مأموران اجرایی در رفع کمبود وسایل حمل و بدی راه‌ها، مردم را در تنگنای سختی قرار داد. در یک گزارش از زنجان، «گندم به‌رغم جمع‌آوری و آمادگی برای ارسال، با نبود وسایل حمل، روی زمین باقی مانده بود و با بی‌نظمی متولیان و مسئولان، چارپایان در امور غیرضروری به‌کار گرفته می‌شدند». دولت مشروطه برای رفع این موانع، در تلاش برای استمرار ارسال گندم به مناطق بحران بود. یکی از سیاست‌های پیشنهادی، پرداخت پیوسته هزینه گندم بود که موجب دلگرمی کارگزاران بحران نان می‌شد (همان، پنجشنبه ۱۶ شوال ۱۳۲۸ هـ.ق: جلسه ۱۵۹).

نوسان‌های قیمت گندم و جو در میانه ستیزه‌های مشروطیت زنجان و ناکارآمدی نهادهای دولتی در ارسال منظم ارزاق به سایر ولایات، معلول ضعف دولت مرکزی در برقراری ثبات نسبی و آرامش و در مقابل، بی‌اعتنایی آصف‌الدوله و سایر مأموران در تبعیت از فرمان‌های وزارتخانه‌ها بود. این ضعف دولت از بازگشت محمدعلی شاه، نابسامانی‌های سایر ولایات و رقابت‌های سیاسی مجلس دوم نشئت می‌گرفت؛ بنابراین دولت چاره‌ای جز حفظ امنیت و جلوگیری از هرج‌ومرج و نادیده‌گرفتن خطاهای حکمرانانی مانند آصف‌الدوله نداشت. در اوایل ۱۳۲۹ هـ.ق، با بارش باران و تلاش‌های دولت و مجلس، بحران نان فروکش کرد و گندم به سنگ تبریز شش تومان و هشت هزار و جو پنج تومان و هشت هزار عرضه شد (روزنامه ایران نو، چهارشنبه ۱۶ محرم ۱۳۲۹ هـ.ق: ۳)، اما اندکی بعد با حضور قوای روسیه و آغاز جنگ جهانی اول، زنجان شدیدترین قحطی‌ها را تجربه کرد.

۵. سال‌های عسرت، دخالت و نفوذ کارگزاران و متولیان (۱۳۳۰-۱۳۳۴ ه.ق)

با بسته‌شدن مجلس دوم، به‌دلیل اولتیماتوم روس‌ها و حضور نیروهای این کشور در منطقه، مسئله نان در زنجان تحت تأثیر سیاست‌های نهادهای دولتی قرار گرفت. با ورود برهان‌السلطنه، حکمران جدید، اشرار شاهسون که وابسته به روسیه بودند، به راهزنی پرداختند و حکمران چاره‌ای به این موضوع نیندیشید. در این اوقات، برهان‌السلطنه کمبود نان را بهانه افزایش قیمت قرار داد و در هر

خروار، یک تومان افزود. او در ادامه، حاجی نعمت‌الله را به بهانه فروش آرد به قشون روسیه تنبیه کرد (اسناد خاندان موسوی زنجانی، مسئله نان در عصر قاجار، ۱۴۰۰). غله روستای صائین قلعه نمونه‌ای دیگر از سوءاستفاده حکمران بود که در اجاره موفق‌الملک تبعه روس‌ها قرار داشت. گندم و جو در راه تهران و در محل، به ترتیب خرواری ۱۲ تومان و ۱۵ تومان و ۵ هزار به فروش می‌رسید، ولی برهان‌السلطنه ادعا می‌کرد که برای بستن هرگونه بهانه بر روس‌ها و خسارت به دولت، باید از نارضایتی موفق‌الملک جلوگیری کرد. در کنار دخالت حکمران، نفوذ خوانین موجب زحمت اهالی شده بود. براساس یادداشتی از مشیرالممالک، غله‌های چند روستا در اجاره علی‌اکبرخان بود و مالیاتش به واسطه نزدیکی به امیرافشار، سه تومان و پنج هزار محاسبه می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۰۰۴۲۹۷). علاوه بر دخالت‌های حکمران، دولت مرکزی عاملی برای صعود قیمت‌ها در آستانه جنگ جهانی اول شد. توضیح اینکه با استقرار سربازان روسی در زنجان، تأمین ارزاق در دسر بزرگی برای کارگزاران ایجاد کرد. در این راستا سپهسالار تنکابنی که درصدد تأمین آذوقه قشون روسیه بود، ملاکین خمسه را وادار کرد که ۳۰ هزار خروار گندم برای رفع نیاز قشون گردآوری کنند. لذا با آمارگیری از زمین‌داران، مقدار متعهد شده را بین آنها تقسیم کرد. قیمت گندم در آن برهه ۱۲ تومان بود؛ اما برای رضایت زمین‌داران ۱۴ تومان محاسبه گردید که در افزایش بهاء ارزاق تأثیر گذاشت (زنجانی، ۱۳۹۶: ۲/۴۴۴). با ضعف دولت و افزایش اختیار متنفذان، بی‌قانونی و تعدی به حقوق تهیدستان امری رایج شده بود و با رقابت‌های خوانین برای تصرف اراضی یکدیگر، میزان شکایات‌ها از گرانی نان و ناامنی قابل توجه بود. ولی دولت به دلیل کمبود ارزاق و نیاز به همکاری همه دستگاه‌ها در زمینه رفع بحران، چاره‌ای جز چشم‌پوشی خطاها و شکایات‌ها نداشت؛ برای مثال، با کمبود غله در تهران و فشار دولت برای تأمین گندم، به دلیل همکاری امیرافشار در ارسال ارزاق، خواستار اغماض و گذشت مردم از شکایات‌ها شد (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۰۰۴۶۲۷).

نامه‌نگاری و کارهای پیچیده اداری برای پرداخت کرایه حمل و نقل، بخشی از موانع برای مهار افزایش قیمت نان بود. در نامه انبار دولتی به وزارت مالیه، تعداد نسبتاً زیادی قبوض کرایه دولتی نیازمند پرداخت بودند (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۰۰۷۴۳۱). تهاجم اشرار به روستاهای اطراف، مانع پیش‌روی حکومت خمسه در کاهش شکایات مردم بود. براساس یک گزارش، تأمین گندم برای نیاز مأموران درجه دوم و سوم دولت مشکل شده بود. حتی اعضای اداره‌ها به دلیل صف‌های طولانی نان و دشواری در خرید، از حضور در اداره عذر داشتند و بعضی روزها کار را تعطیل می‌کردند و به دستورهای رؤسا توجهی نمی‌کردند. با توجه به این موانع و با درخواست اداره عدلیه زنجان، بخشی از گندم تخصیصی به مردم، خارج از نوبت به کارمندان تعلق گرفت. در نامه‌ای، رئیس اداره محاسبات

کل مالیه به وزارت مالیه نوشت: «وزارت مالیه که به سایرین تخفیف داده، نباید فرقی بین مستخدمین ادارهها بگذارد و در صورت تخفیف به سایرین، باید به همان میزان با اجزای عدلیه زنجان رفتار کند. سرانجام به علت گرانی فوق العاده گندم، ۱۰۰ خروار با نرخ مناسب به اداره مالیه داده شد. وزارت عدلیه نیز ۱۶ خروار گندم درخواست کرد که با تخفیف در قیمت، به آنها واگذار شد (ساکما، شماره سند ۴۸۳۶۴/۲۴۰). این تبعیض در اعطای ارزاق به ادارهها و نادیده گرفتن حقوق مردم به بهانه معطلی مأموران دولت، بخشی از ناکارآمدی در تأمین نان بود که با توجیه و تفسیر، به نفع برخی از سازمانها صورت گرفت.

بی‌مبالاتی مأموران در جمع‌آوری محصولات و روش‌های سنتی برداشت، موجب هدررفت بخشی از محصول و کمبود نان در مراکز توزیع می‌شد. براساس آمار، در ۲۱ ثور ۱۲۹۵ هـ.ق، جمع کل گندم خمرسه ۱۷۲،۰۲۵ خروار تخمین زده شد که مقدار هدررفت و آفت ۴۸۷۵ خروار بود و با احتساب مبلغ ۶۶،۹۰۲ ریال کرایه حمل، با قیمت گزاف به شهر می‌رسید. براساس اسناد، فقط ارزاق امیرافشار به دلیل داشتن چهارپا، مشمول کرایه حمل نبودند. باید افزود با نابسامانی در بخش اقتصاد، کرایه‌های حمل در چند مرحله پرداخت می‌شد که موجب افزایش قیمت تمام‌شده شد (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۰۰۷۴۳۱). گندم و جو وارد به زنجان به دلیل عدم تسویه کامل بدهی از سوی دولت، با سوءاستفاده مأموران توزیع مواجه بود. در این راستا امین مالیه میرزا همایون و جمشید به‌عنوان معاون، ۲۶۰ تومان را به خزانه‌داری پرداخت نکردند. نتیجه این رفتار، تأخیر در ارسال گندم به شهر و افزایش مشکلات کمبود نان بود (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۲۸۴۷۳). در این برهه موانع پیش‌روی انبارداری، بر افزایش قیمت‌ها تأثیر مستقیمی داشت. مشیر حضور برادر مشیرالممالک از انبارداران، با مشکل مواجه بود. او یکصد خروار گندم به حاجی نعمت‌الله تاجر فروخت و قرار پرداخت حقوق مستحفظان در زمان تحویل ارزاق را گذاشت و گندم‌ها را در راستای سیاست‌های دولت به اداره مالیه زنجان تحویل داد، اما زمانی که به تهران آمد، از طرف خزانه‌داری کل، مطالبه ده خروار را کردند. با توجه به شکایت مشیرالممالک، از طرف اداره محاسبات کل از خوانین استعلام شد. آن‌ها جواب دادند که مشیرحضور پیش‌تر مبلغی از بابت حقوق مستحفظان گندم و کرایه انبار دریافت کرده بود که وزارت مالیه ماهی دو تومان بابت کرایه انبار برای پرداخت مقرر کرد. به عقیده اداره محاسبات، مشیرحضور باید دو هزار خروار گندم را تأدیه می‌کرد تا ماهی دو تومان کرایه خود را دریافت کند. مشیرحضور با توجه به این خسارت، خواستار همکاری دولت در زمینه پرداخت حقوق کارگران انبارداری بود. در گزارشی، گندم براساس دوری و نزدیک به زنجان، اختلاف قیمت داشت و به دلیل خرابی راه‌ها، خریداری برای ارسال به نقاط صعب‌العبور میسر نمی‌شد. در منطقه خمرسه، گندم غیر از

محال ابهررود و سلطانیه، باید به شهر منتقل می‌شد و به فروش می‌رسید و در صورت حمل به شهر، اگر کرایه کمتری می‌پرداختند، حمل نمی‌شد؛ برای مثال از مناطق انگوران، اوریاد، ماهنشان، بزینهرود و سجاس‌رود، خرواری دو تا سه تومان کرایه می‌پرداختند و در برخی نقاط، دو خروار گندم و جو، سه تومان یا سه تومان و پنج هزار کرایه داشت (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۴۸۳۶۶).

غارت محموله‌های گندم زنجان به وسیله مأموران دولت، بخشی از دغدغه‌های تجار بود. امین‌الضرب یکی از بازرگانان برجسته کشور، از سوءاستفاده‌های مأموران در سال‌های بحران، خسارت فراوان دید و نامه‌هایی به دولت فرستاد. او در یکی از نامه‌ها می‌نویسد: «در ماه شعبان ۱۳۳۵ هـ.ق، گندم خرواری ۳۲ تومان به آتریاد قزاق فروخت. چون املاک ورامین دچار آفت شد، ناچار از زنجان درخواست گندم کرد. ۲۵ نفر از مأمورین حکومت به روستاهایش ریخته، گندم‌ها را پس از غارت، به زنجان حمل کردند». در نامه امین‌الضرب به رئیس‌الوزرا، پیشنهادهای پرداخت خسارت از محل گندم تهران، نپرداختن گندم درخواستی قزاق‌خانه و یا بازگرداندن وجه گندم مشاهده می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۱۰/۰۰۱۰۵۰).

با وجود بحران‌های عصر مشروطه و حضور دولت روسیه در شمال غرب کشور، دولت مرکزی از موقعیت متزلزلی برخوردار بود. این ضعف بر افزایش اختیارات کارگزاران و مأموران دولت در دخالت بر افزایش قیمت‌ها تأثیر داشت. علاوه بر ناکارآمدی دولت در مهار قدرت زمین‌داران، سوءاستفاده برخی اداره‌های تابع و برداشت نادرست گندم و جو و وجود برخی عناصر برجسته دولتی وابسته به روسیه، موجب افزایش بهای ارزاق در زنجان شده بود و مشکلات فراوانی به وجود آورد. در این بین عقب‌ماندگی در بخش‌های حمل‌ونقل و انبارداری بخش‌های دولتی و خصوصی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد آورد. ضعف دولت مرکزی موجب خرابی و ناامنی راه‌ها و در نتیجه تفاوت قیمت ارزاق در شهرها نسبت به بلوکات و روستاهای دورافتاده خمسه شد که در کنار کاهش ارزاق ارسالی به مناطق مختلف، به بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و در نتیجه افزایش بها انجامید.

۶. بحران نان و سیاست قدرت‌های خارجی در زنجان

در سال ۱۳۳۵ هـ.ق، قحطی مقارن با حضور نیروهای عثمانی و روسیه در خاک ایران آغاز شد. بخشی از قحطی مربوط به کمبود بارش‌ها بود. در این سال به دلیل وجود گندم و جو در انبارهای زنجان، تا حدی جلوی قحطی گرفته شد. بهای یک خروار گندم از ۶۰ تومان تجاوز نکرد و ثروتمندان با تأسیس چند دکان خبازی و سرشماری مردم بی‌بضاعت، بلیت دادند تا از مغازه‌ها منی دو قران و دو عباسی نان تهیه کنند. با ادامه خشکسالی در ۱۳۳۶ هـ.ق، بهای گندم به ۱۶۰-۱۷۰ تومان رسید. دوباره مغازه‌داران مساعدت کردند، اما غله به قدر کفایت نرسید. متنفذان تصمیم به

مخلوط کردن مقداری سیب‌زمینی در هر خروار گندم گرفتند، اما ناخوشی به‌وجود آمد. سرانجام به توزیع جداگانه گندم و سیب‌زمینی پرداختند تا اینکه غله به اتمام رسید. در روزهای بعد بر اثر قحطی و بیماری، روزانه ۱۰۰ نفر از دنیا رفتند و در ماه‌های بعد، این تعداد به ۱۳۰ نفر رسید. اوایل ۱۳۳۷ ه‍.ق با این مصیبت سپری شد، تا اینکه با بارندگی مختصر، محصولی به‌دست آمد و گرفتاری‌ها تا حدودی برطرف شد (زنجان، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۴۲-۴۴۳). با توجه کمبود ارزاق، ۸ محرم ۱۳۳۷ ه‍.ق، یک من نان گندم ۴۰ دینار و شش قران بود (ساکما، شماره سند ۴۸۳۶۴/۲۴۰). بخشی از مصائب روزهای قحطی، تعدی روس‌ها به خانه‌های مردم بود. در ۲۶ جدی ۱۳۳۶ ه‍.ق، همراه با قحطی، ظلم و ستم روس‌ها بیشتر شد و آذوقه به اتمام رسید. در نتیجه مردم به ستوه آمدند. روس‌ها بدون اجازه وارد خانه‌های مردم شدند و به ناموس زنجان‌ها دست‌درازی کردند. حکومت به صاحب‌منصبان روسیه اخطار داد، اما آنان دوری چندساله از وطن و نافرمانی از دستورهای مافوق را بهانه این تعدی‌ها قرار دادند. در این برهه نزدیک به ۳ هزار سرباز روسیه در ینگه‌کند و زرین‌آباد و ۷ هزار نفر در زنجان متوقف بودند (اسناد شخصی، بحران نان در زنجان عصر قاجار، ۱۴۰۰). با توجه به کمبود ارزاق، روس‌ها پس از مدتی به انبارهای شهر حمله کردند و گندم و جو موجود را صرف سربازان کردند (مترجم‌همایون، ۱۳۳۵: ۳۴-۳۵). فرزندان سعیدالممالک برادر حاکم شهر که از خاندان‌های قدیمی زنجان بودند، قزاق‌ها و سالدات‌ها ۱۵۰ چهارپا، ۲۵۰ خروار گندم و دارایی ۱۰۰ ساله‌شان را مصادره کردند. در این برهه با دخالت روس‌ها در منطقه و آغاز تحرک قوای دولتی برای جنگ با نیروهای میرزا کوچک جنگلی، قیمت نان ۱۰ تومان ترقی کرد. در این راستا قزاق‌های دولتی برای رفع نیاز قشون در سلطانیه، جنس ۳۰۰ تومانی را ۲۵ تومان خریدند (اسناد شخصی، ترقی قیمت نان در منطقه خمه، ۱۴۰۰). تعدی روس‌ها در زنجان و مناطق اطراف تمامی نداشت و دستبرد به انبارهای گندم، موجب شکایت مستمر حکمران به دولت شده بود. در یک تلگراف نایب‌الحکومه به تهران، روس‌ها دوباره برای روستایی و شهری در دسر ایجاد کرده بودند و چیزی برای خوردن نمانده بود (مجد، ۱۳۹۸: ۱۰۰). توقیف انبارهای گندم خوانین به بهانه همکاری با دولت عثمانی، بخشی از سیاست روس‌ها برای رفع نیاز قشون بود. در ۱۲۹۵ ه‍.ق با مصادره اموال جهان‌شاه خان امیرافشار، ۲۸۰۰ خروار گندم توقیفی، روانه انبار قشون در منطقه بیانلو شد. در ادامه ۲ هزار تومان پول امیرافشار به‌وسیله اسعدالدوله، تحویل پیشکار مالیه زنجان شد (اسناد انجمن زنجان، مجموعه اسناد قحطی نان زنجان، ۱۳۹۹). در می ۱۹۱۸، ورود نیروهای انگلستان مشکلات کمبود گندم و جو در زنجان را افزایش داد. داناها درباره وضعیت شهر می‌نویسد: «ما از منطقه‌ای عبور می‌کردیم که نسبت به مناطق نزدیک همدان، کمتر دچار گرسنگی بودند. اوضاع بهتر بود و هنگ گرسنگان با اعضای رنجور که در شمال‌غرب ایران دیده می‌شد، در آنجا نبودند، اما ورود انگلیسی‌ها زنجان‌ها را تکان

داد. پریشانی آن‌ها را دربرگرفت و بازارها بسته شد و بلافاصله قیمت‌ها صددرصد افزایش یافت» (مجد، ۱۳۹۸: ۶۷-۶۸ و ۱۲۵-۱۲۶).

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول، منطقهٔ خمسه دوباره با مشکل کمبود نان مواجه شد. کمیسیون ارزاق زنجان با یاری زمین‌داران، نزدیک به ۶۵۰ خروار گندم به نرخ معمولی روز، از قراری ۲۷ تومان تعیین کرد، اما زمین‌داران بیش از آن راضی به گذشت نشدند. باید افزود همان نرخ بالا (زیر قیمت معین دولت) از طرف کمیسیون ارزاق خمسه، به صورت پنهانی معامله می‌شد. با این وضعیت آشفته، کمیسیون از دولت خواستار مساعدت در تخفیف قیمت محاسبه شده به مردم بود تا جلوی مرگ‌ومیر اهالی گرفته شود. براساس یک گزارش، روزانه چهل تا پنجاه نفر در معابر زنجان بر اثر گرسنگی می‌مردند. در نامهٔ کمیسیون ارزاق زنجان به وزارت مالیه، اداره به دلیل بی‌توجهی دولت به وضعیت ناگوار قحطی زنجان، قادر به ادامهٔ فعالیت نبود و از عهدهٔ مراجعه‌کنندگان نان بر نمی‌آمد (ساکما، شمارهٔ سند ۱۲۷۴/۰۰/۲۱۰).

قحطی و خشکسالی در منطقهٔ خمسه، با ورود قوای خارجی روسیه و انگلستان، بر شدت کمبود ارزاق افزود و در نتیجه سال‌های سختی را برای مردم رقم زد. نتیجهٔ این اوضاع، کشته شدن تعداد زیادی از مردم شهری و روستایی بود. در این بین با نابسامانی‌های داخلی کشور مانند قیام جنگلی‌ها در گیلان و حضور قوای قزاق و سالدات دولتی در منطقه، کمبودها و گرانی‌ها فشار بیشتری بر مردم وارد آورد. در این بین حکومت خمسه با توجه به ضعف دولت مرکزی، از تلاش برای رفع این موانع و بحران‌ها ناتوان بود و اندک اقدامات صورت گرفته به شکست انجامید.

۷. نتیجه‌گیری

سیاست‌های فروش زمین‌های خالصه در دورهٔ ناصری و قشون‌گیری در عصر مظفری که برخاسته از نابسامانی‌ها و توسعه‌نیافتگی سیاسی، اقتصادی و نظامی قاجارها بود، نقش مهمی در آغاز بحران‌های نان زنجان در سال‌های مشروطه و پس از آن داشت. این مسئله علاوه بر برآمدن طیفی از زمین‌داران در سال‌های مشروطه که زمین‌های خالصه را به دست آوردند، موجب پیوستن گروه‌های تهیدست شهری از صنف خبازان در قشون خمسه شد که سیاست‌شان غالباً احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی بود. در سال‌های پیش از مشروطیت، عوامل افزایش قیمت و موانع تولید و عرضهٔ غلات در ولایت خمسه، خشکسالی‌های متمادی، خرابی و ناامنی راه‌ها، ناتوانی دولت و گروه‌های نفوذ در پرداخت کرایهٔ حمل و نقل و ناکارآمدی حاکمان در سال‌های کمبود بارش بودند. انقلاب مشروطیت موجب تغییر در نوع نظام حکومت‌داری شد، اما در زمینهٔ اجرای قوانین، تغییر اندیشه و کارکرد کارگزاران ناموفق بود. در این راستا اغلب کارگزاران وابسته به نظام پیش از مشروطه بودند که دولت

نتوانست بدیلی برای آن‌ها بیابد. دیوانیانی مانند مشیرالممالک با احتکار گندم، زمین‌دارانی مانند امیرافشار و حاکمان این سال‌های زنجان، نمونه‌ای از این موارد بودند. وجود کارگزاران ناموفق در مقام مأموران مؤسسات دولتی و حکمرانان این دوره که وابسته به نظم قدیم بودند، مانع عمده در مقابل خواسته‌های دولت و سوءاستفاده از ارزاق تخصیص‌یافته شدند و گندم را به صورت ناعادلانه بین خود و اطرافیان تقسیم کردند. ناکامی مشروطه با وجود منتفذانی مانند سپهدار تنکابنی در مقام یکی از رهبران مشروطه و زمین‌دار برجسته کشور که وابسته به دولت روسیه بود، از دیگر عوامل بحران نان زنجان شد. با عنایت به احتمال بازگشت محمدعلی شاه به کشور و تکاپوی شاهزادگانی مانند سالارالدوله برای تصاحب قدرت، سیاست دولت مشروطه براساس مماشات و اغماض نسبت به زمین‌داران و خوانین قرار گرفت و منتفذانی مانند امیرافشار با این سیاست، بسیاری از اقداماتشان با چشم‌پوشی و گذشت مواجه شد. تأثیر نظام حکومت‌داری قدیم، بر بحران‌های نان زنجان در عصر مشروطه و پس از آن تأثیر مستقیمی گذاشت. این موضوع را می‌توان در بدی راه‌های مواصلاتی، کمبود وسایط حمل‌ونقل و در روش‌های سنتی برداشت محصول مشاهده کرد که بر افزایش بهاء، کمی و هدررفت محصول تمام‌شده تأثیر داشت. در سال‌های مقارن با جنگ جهانی اول، این بحران‌ها افزایش یافت؛ چون با غارت محموله‌های گندم به‌وسیله برخی از مأموران دولت و قوای خارجی در منطقه، قیمت‌ها سیر سرسام‌آوری به خود گرفت. در این سال‌ها شهری مانند زنجان که در سال‌های کمبود محصول، مورد نظر دولت قرار می‌گرفت، با قحطی بی‌سابقه و مرگ مردم روستایی و شهری مواجه شد و وضعیت فاجعه‌باری برای مردم به‌وجود آمد.

منابع

- اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان (۱۳۹۹). *مجموعه اسناد قحطی نان زنجان*. زنجان: دفتر انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان.
- اسناد خاندان ذوالفقاری (۱۳۹۹). *جلسه شورای نان در زمان بحران*. تهران: اسناد محمدحسین ذوالفقاری.
- اسناد خاندان موسوی زنجان (۱۴۰۰). *مسئله نان در عصر قاجار*. مشهد: اسناد سید حسین موسوی زنجان.
- اسناد شخصی (۱۴۰۰). *بحران نان در زنجان عصر قاجار*.
- اسناد مجلس شورای اسلامی (امشا) (۱۳۲۹ ه.ق). *عریضه جواد زنجان به وکلای مجلس*. شماره سند ۲۰۵۷۰-۲۱۶۱۳.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (بی‌تا). قحطی در آذربایجان و ارسال غله از خمسه. شماره سند ۲۹۶/۲۵۹۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (بی‌تا). نامه دربار به احتشام‌السلطنه حاکم زنجان. شماره سند ۲۹۶/۲۱۳۰۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۲۹۷ ه‍.ق). تعهد تحویل گندم توسط اهالی روستای قرابوته زنجان. شماره سند ۲۹۶/۴۷۳۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۰۵ ه‍.ق). شکایت از مأموران ارزاق خمسه. شماره سند ۳۱۰/۷۳۹۸۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۲۶ ه‍.ق). تحویل گندم با نرخ تخفیفی از اداره مالیه زنجان. شماره سند ۲۴۰/۴۸۳۶۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۲۷ ه‍.ق). درخواست تعیین نرخ فروش غله و کرایه آن در خمسه. شماره سند ۲۴۰/۴۹۸۹۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۲۸ ه‍.ق). گزارش آصف‌الدوله از وضعیت زنجان. شماره سند ۲۱۰/۰۰۲۶۱۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۰ ه‍.ق). رفع شکایت از امیر افشار به دلیل خدمات در زمینه حمل غله به تهران. شماره سند ۲۴۰/۴۶۲۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۳-۱۳۳۴ ه‍.ق). درخواست خزانه‌دار کل از امین مالیه زنجان. شماره سند ۲۴۰/۲۸۴۷۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۴ ه‍.ق). آمار گندم وارده به خمسه. شماره سند ۲۴۰/۷۴۳۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۶ ه‍.ق). تلگراف کمیسیون ارزاق خمسه. شماره سند ۲۱۰/۱۲۷۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۶ ه‍.ق). نامه امین‌الضرب؛ غارت محموله گندم توسط مأمورین. شماره سند ۲۱۰/۱۰۵۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۲۹۶). شکایت از نحوه تحویل گندم در مالیه زنجان. شماره سند ۲۴۰/۴۸۳۶۶.
- روزنامه ایران (۱۳۲۴ ه‍.ق). اخبار داخله؛ خمسه. شنبه ۷ محرم. ۵۸ (۲۶)، ۳.
- روزنامه ایران (۱۳۲۴ ه‍.ق). اخبار غیردرباری. پنجشنبه ۲۱ ربیع‌الثانی. ۵۹ (۷)، ۴.

- روزنامه ایران (۱۳۲۶ هـ.ق). راپورت از زنجان. چهارشنبه ۲۲ صفر. ۳۹ (۲)، ۲.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۹ هـ.ق). زنجان. چهارشنبه ۱۶ محرم. ۲ (۷۱)، ۳.
- روزنامه تربیت (۱۳۲۴ هـ.ق). زنجان. ۲۷ رمضان. ۹ (۴۲۰)، ۲۲۷۳-۲۲۷۲.
- روزنامه تربیت (۱۳۲۴ هـ.ق). زنجان. پنجشنبه ۵ شوال. ۹ (۴۲۱)، ۲۲۸۲-۲۲۸۳.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۳ هـ.ق). زنجان. ۱۰ ذی‌قعدة. ۲ (۸)، ۱۱-۱۲.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ هـ.ق). مکتوب از زنجان. غرة ربیع الاول. ۲ (۱۵)، ۱۱-۱۳.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ هـ.ق). زنجان. ۱۰ ربیع الاول. ۲ (۱۶)، ۱۲-۱۳.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ هـ.ق). زنجان. ۲۰ رمضان. ۳ (۲۹)، ۱۵.
- روزنامه حبل‌المتین تهران (۱۳۲۵ هـ.ق). وقوع امر به معروف و نهی از منکر در زنجان. ۷ رجب. ۱ (۹۲)، ۳-۴.
- روزنامه صبح صادق (۱۳۲۵ هـ.ق). بقیة مکتوب شهری زنجان. ۱۲ رجب. ۱ (۱۱۱)، ۳-۴.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. چاپ اول. تهران: تاریخ ایران. جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۴). *گنج شایگان*. چاپ اول. تهران: سخن.
- حاجی‌وزیر زنجان (۱۳۸۹). *دفتر تاریخ، خاطرات و خاندان*. جلد چهارم. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- رضایی، امید (۱۳۹۸). *فهرست مجموعه قباله‌های اسناد محاکم شرع فارس و زنجان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (دوره قاجار)*. چاپ اول. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- زنجان، احمد (۱۳۹۶). *الکلام یجر الکلام*. جلد دوم. ویراستاری و تصحیح عباس فقیهی و محمد موحدیان. قم: حق‌بین.
- زنجان، شیخ ابراهیم (۱۳۹۳). *خاطرات شیخ ابراهیم زنجان*. به اهتمام غلامحسین میرزا صالح. چاپ دوم. تهران: کویر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. جلد دوم. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶). *مرآت‌الوقایع مظفری*. جلد اول. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.
- ظهیرالدوله، علی بن محمدناصر (۱۳۷۱). *سفرنامه ظهیرالدوله*. مصحح محمداسماعیل رضوانی. چاپ اول. تهران: فردوسی.

عیسوی، چارلز (۱۳۸۹). *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار «۱۳۱۵-۱۳۳۲ ه‍.ق»*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ سوم. تهران: گستره.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳). *گیلان در انقلاب مشروطیت*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

فلور، ویلم (۱۳۹۸). *تاریخ نان در ایران*. ترجمه صبا کارخیران. تهران: ایران‌شناسی.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۹۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*. جلد اول. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: پیکان.

کسروی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. چاپ بیست‌ویکم. تهران: امیرکبیر.

لمبتون، آن کاترین سوینفورد (بی‌تا). *اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه منیر برزن. مشهد: خراسان.

مجد، محمدقلی (۱۳۹۹). *قحطی بزرگ و نسل‌کشی در ایران (۱۲۹۶-۱۲۹۸ ه‍.ش)*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۹۹). *شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آغامحمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه*. جلد اول. چاپ ششم. تهران: زوار.

مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۶۳). *سفرنامه فرنگستان*. مقدمه و فهرست امیر شیرازی. چاپ دوم. تهران: شرق.

ملک‌آرا، عباس میرزا (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

دارالسعادة زنجان «تحریر نفوس زنجان برحسب محله‌های شهر» (۱۳۹۷). به کوشش حسن حسینعلی. چاپ اول. زنجان: نیکان کتاب.

نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی (۱۳۸۶). *خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی*. جلد اول. به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه. چاپ اول. تهران: تاریخ ایران.

زنجان عصر قاجار؛ پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی زنجانی (۱۳۸۹). به کوشش محمدرضا بهزادی. *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*، ۵۳-۵۴. ۲۷۷-۳۵۶.

مترجم همایون، علی‌محمد (۱۳۳۵). *خاطرات یک معلم*. *مجله خواندنی‌ها*، ۱۷ (۲)، ۳۴-۳۵.

مطلب خمسه‌ای (۱۳۵۰). *انقلاب زنجان*. *مجله خاطرات وحید*، ۱، ۳۷-۴۰.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۹۴). *مذاکرات دوره اول تا بیست‌وچهارم*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Johnson, J. (1817). *A Journey Form India to England through Persia, Georgia Russia, Poland and Prussia*. London.